

خلاصه کتاب کلیات فلسفه

نویسندگان: شکیبی، علم الهدی، پیکانی / ناشر: پیام نور

فصل اول:

■ مقدمه ■

- ✓ فلسفه در اینجا به معنای جریان تفکر فلسفی در حوزه جغرافیایی اروپا و آمریکا (اصطلاحاً غرب) است.
- ✓ ریشه بسیاری از مسائل علوم انسانی (روان‌شناسی، علوم سیاسی، حقوق، اقتصاد و...) در فلسفه است.
- ✓ فهم عمیق نظریات علوم انسانی بدون درک آبخشور اصلی آن‌ها (فلسفه) ممکن نیست؛ بنابراین دانشجویان این رشته‌ها ناگزیر از شناخت مسئله‌محور فلسفه غرب هستند.
- ✓ این متن به جای بیان صرف تاریخ فیلسوفان، به «سیر مسئله‌های فلسفه» و ارتباط دوره‌های مختلف با یکدیگر می‌پردازد.

■ کلیات فلسفه ■

- ✓ واژه «فلسفه» از ترکیب دو کلمه یونانی «فیلو» (دوستدار) و «سوفیا» (دانش) ساخته شده و به معنای «دوستدار دانش» است.
- ✓ سقراط برای اولین بار این عنوان را در تقابل با «سوفیست‌ها» (که خود را دانشمند می‌دانستند اما دچار مغالطه بودند) برای خود به کار برد.

✓ فلسفه به طور کلی دارای سه حوزه اصلی است:

۱. هستی‌شناسی (Ontology).

۲. معرفت‌شناسی (Epistemology).

۳. معرفت‌های درجه دوم (فلسفه‌های مضاف مانند فلسفه اخلاق، فلسفه علم، فلسفه دین و...).

✓ حوزه معرفت‌شناسی به بحث از تئوری‌های صدق و توجیه می‌پردازد.

✓ فلسفه‌های مضاف به بحث از مبانی تصویری و تصدیقی علوم مختلف (مانند روان‌شناسی، فیزیک، تعلیم و تربیت و...) مشغول‌اند.

✓ تاریخ فلسفه نشان می‌دهد که دغدغه‌های وجودشناختی موجب ایده‌پردازی‌های نخستین فیلسوفان شد و سپس مباحث معرفت‌شناسانه مطرح گردید.

✓ نگاه امروزی به فلسفه تغییر کرده است؛ فلسفه دیگر فقط مطالب غامض نیست، بلکه در زندگی روزمره و حتی تربیت کودکان (فلسفه برای کودک) نقش دارد.

✓ مطالعه فلسفه باعث می‌شود فرد در مواجهه با سؤالات بنیادین، به پاسخ‌های سطحی راضی نشود و ذهنی دغدغه‌مند و عمیق پیدا کند.



■ دوره یونان باستان از تالس تا سقراط ■

■ مقدمه ■

✓ نخستین متفکران یونان باستان (فیلسوفان ملطی) تلاش کردند تا از تبیین‌های اسطوره‌ای و خدایان عبور کنند و به تبیین عقلی جهان بپردازند.

✓ سؤال اصلی آن‌ها این بود: منشأ واحد موجودات چیست؟ (آرکه یا اصل نخستین).

✓ آن‌ها به دنبال یافتن یک عنصر پایدار در پسِ تغییرات ظاهری جهان بودند.

✓ این دوره گذار از «تفکر اسطوره‌ای» به «تفکر فلسفی» است؛ یعنی جایگزینی علل طبیعی به جای خدایان در تبیین پدیده‌ها.

■ ملطیان ■

✓ تالس (بنیان‌گذار فلسفه) معتقد بود که منشأ همه موجودات «آب» است.

✓ این نخستین بار بود که کثرت موجودات به یک اصل واحد مادی ارجاع داده می‌شد (وحدت در کثرت).

✓ تالس مشاهده می‌کرد که آب قابلیت تبدیل به حالات مختلف (جامد، مایع، بخار) را دارد و مایه حیات است.

✓ نگاه ملطیان (مانند تالس) «جان‌دار پنداری» (Hylozoism) بود؛ یعنی ماده را دارای روح و حرکت ذاتی می‌دانستند و نیازی به نیروی محرک بیرونی نمی‌دیدند.

■ آناکسیمندر ■

✓ شاگرد تالس بود اما نظریه استادش (آب) را رد کرد.

✓ استدلال او این بود: اگر یک عنصر خاص (مثل آب) اصل باشد، نمی‌تواند متضاد خود (مثل آتش) را پدید آورد؛ زیرا غلبه یکی موجب نابودی دیگری می‌شود.

✓ او اصل نخستین را ماده‌ای نامتناهی و بی‌کران به نام «آپیرون» (Apeiron) معرفی کرد.

✓ آپیرون ماده‌ای است که هیچ‌یک از تعینات عناصر چهارگانه را ندارد، اما منشأ همه آن‌هاست.

✓ او زمین را استوانه‌ای شناور در مرکز جهان می‌دانست که به دلیل فاصله مساوی از همه‌چیز، سقوط نمی‌کند.

■ آناکسیمنس ■

✓ سومین فیلسوف ملطی که اصل نخستین را «هوا» دانست.

✓ او معتقد بود هوا از نظر لطافت و بی‌کرانی برتر از آب است و می‌تواند با دو فرایند «انبساط» (رقت) و «انقباض» (غلظت) به سایر عناصر تبدیل شود.

✓ وقتی هوا رقیق شود به آتش، و وقتی غلیظ شود به باد، ابر، آب و خاک تبدیل می‌شود.

✓ او هوا را مانند «نفس» یا روح جهان می‌دانست که همه‌چیز را احاطه کرده و زنده نگه می‌دارد.



■ فیثاغورس ■

- ✓ او اصل و حقیقت اشیاء را «عدد» می دانست.
- ✓ برخلاف ملطیان که به دنبال ماده بودند، فیثاغورس به دنبال «فرمول» و ساختار ریاضی جهان بود.
- ✓ او دریافت که هارمونی موسیقی و نظم طبیعت بر اساس نسبت های ریاضی است.
- ✓ اعداد برای فیثاغوریان صرفاً نماد نبودند، بلکه خودِ واقعیت و سازنده اشیاء (حتی دارای حجم و شکل) محسوب می شدند.
- ✓ این مکتب به دوگانگی (ثنویت) باور داشت: محدود و نامحدود، فرد و زوج، روشنایی و تاریکی.
- ✓ آن ها به تناسخ ارواح و جاودانگی نفس معتقد بودند.

■ هراکلیتوس ■

- ✓ اصل جهان را «آتش» می دانست، زیرا آتش نماد تغییر و حرکت دائمی است.
- ✓ فلسفه او بر «تغییر» و «تضاد» استوار است.
- ✓ جمله معروف او: «تمی توان در یک رودخانه دو بار شنا کرد»؛ زیرا هم آب عوض شده و هم شخص.
- ✓ او معتقد بود جهان حاصل جنگ و نزاع اضداد است و اگر تضاد از بین برود، جهان نابود می شود.
- ✓ ثبات ظاهری اشیاء نتیجه هماهنگی موقت بین نیروهای متضاد است.
- ✓ لوگوس (عقل جهانی) قانونی است که بر این تغییرات حاکم است.

■ پارمنیدس و زنون ■

- ✓ پارمنیدس در نقطه مقابل هراکلیتوس قرار داشت و منکر هرگونه حرکت و تغییر بود.
- ✓ او معتقد بود «هستی» (وجود) واحد، یگانه، پر و ساکن است.
- ✓ استدلال پارمنیدس: حرکت مستلزم وجود فضای خالی (نیستی) است؛ اما «نیستی» وجود ندارد، پس حرکت ممکن نیست.
- ✓ او بین راه «حقیقت» (که با عقل درک می شود و می گوید جهان ساکن است) و راه «پندار» (که با حس درک می شود و جهان را متحرک می بیند) تفاوت قائل شد.
- ✓ زنون (شاگرد پارمنیدس) برای دفاع از استادش، پارادوکس هایی را علیه حرکت طرح کرد (مثل مسابقه آشیل و لاک پشت).
- ✓ هدف زنون اثبات این بود که فرض وجود حرکت و کثرت، به تناقض عقلی منجر می شود.

■ اتمیان ■

- ✓ دموکریتوس (و لئوکیپوس) مکتب اتم گرایی را بنیان نهادند تا بین نظریات متضاد قبلی (ثبات پارمنیدس و تغییر هراکلیتوس) آشتی برقرار کنند.